

اسلام و نقش اخلاق در سبک زندگی اسلامی - ایرانی در پرتو گام دوم انقلاب

نویسندگان: حمید اسپید^۱

الهام شهسواری^۲

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال پانزدهم، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۹۷

چکیده

سبک زندگی اسلامی با تاکید بر سبک زندگی ایرانی که سال‌هاست مورد نظر و تبیین مقام معظم رهبری قرار دارد، دارای شاخصه‌ها و محورهای مختلفی است که اخلاق و معنویت، یکی از شاخص‌ترین و محوری‌ترین عناصر تاثیرگذار بر آن است. اخلاق بر طبق آن چه که در آیات و روایات اسلامی به آن اشاره شده است، دارای ابعاد گسترده و فراگیری در زندگی فردی، شغلی، اجتماعی و نیز تشکیل حکومت و تمدن اسلامی می‌باشد. بنابراین، بررسی نقاط اساسی و انتزاعی آن در سیر تحول و تکامل جوامع اسلامی و التزام عملی به این دستورات و توصیه‌ها، زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی و پیشرفت همه‌جانبه امت اسلامی است. بیانیه گام دوم انقلاب از سوی ولی امر مسلمین در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، در این برهه زمانی و برای تمامی گروه‌های سنی و صنفی به‌ویژه جوانان، سند راهبردی قابل دسترس بسیار مهمی به حساب می‌آید. ایشان با اشاره تعریف صحیح از اخلاق و معنویت، این مقوله را زمینه‌ساز اثرگذاری و خیرات و برکات ضمن پیشرفت و تعالی در همه حوزه‌های علم، فرهنگ، اقتصاد، هنر، پزشکی و ... می‌دانند و راه برون‌رفت از بن‌بست‌ها و چاهی است که غرب در مواجهه با مشکلات اخلاقی به آن گرفتار شده است. برای داشتن سبک زندگی مناسب باید به اصول و ارزش‌های اسلامی و پیشینه بومی و ملی خود توجه داشت، زیرا تقلید از سبک زندگی غربی به هویت و اصالت فرهنگ دینی و ملی ما ضربه وارد می‌ند و این تجربه استعماری در کشورمان سابقه دارد. توسعه و تمدن‌سازی از اهداف اصلی بشریت به شمار می‌رود و آرمان‌گرایی فردی زمانی تحقق می‌یابد که در مسیر رشد و تعالی بشریت به کار رود و این موجب هدایت و فضیلت فردی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی: اسلام، خانواده، سبک زندگی اسلامی ایرانی، اخلاق، گام دوم انقلاب.

اسلام از زمان صدر اسلام و در طول حیات جاویدان حضرات معصومین (علیهم السلام) و در ادامه راه این پیشوایان بزرگ الهی، ذیل عنایات حق تعالی و در سایه توجهات حضرت ولی عصر (عج) با تفقه عالمان و بزرگان دین در حوزه تعلیم دینی، الگوی تام و جامعی برای سبک زندگی بشر به دست آورده است. علیرغم سوءاستفاده غرب از بسیاری از علوم و فنون و تاریخ صدر اسلام و جوامع اسلامی، هنوز به ابعاد فرهنگی، اخلاقی، معنوی و حتی روان‌شناسی دین مبین اسلام به طور کاربردی دسترسی نیافته است. این مساله منوط به تعمیق معنویت و روح ایمان در کالبد بشر است که با توجه به نگاه مادی و ابزارگرایی غرب و جوامع ظاهرا پیشرفته، موفقیت و تعالی خاصی در این مقوله‌های فرهنگی نمی‌یابد. در این زمان، مسلمانان و امت واحده اسلامی نیاز دارد جهت هدفمندی پیشرفت‌ها و ترمیم برخی از کاستی‌ها به این مقوله اهتمام جدی داشته باشد.

اخلاق و معنویات در بحث سبک زندگی نقش محوری ایفا می‌کند و ما در این اثر، الزامات و شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی را بیان می‌نماییم. هم‌چنین، تاثیرات این مدل از سبک زندگی که چندین سال متوالی مورد تاکیدات رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است، با استناد به رهنمودها و منویات معظم‌له و در سایه تعلیم دین مبین اسلام در قالب آیات و روایات در بخش‌های مربوطه، مشخص و ارایه خواهد شد. در این میان، سبک زندگی در ارتباط با جوانان از اهمیت مضاعفی برخوردار است. چه آنکه «پیشران حرکت انقلاب، جوانها هستند». همت گماشتن آیت‌الله خامنه‌ای قبل و حتی بعد از انقلاب اسلامی به تربیت نسل‌های نوجوان و جوان با تکیه بر قرآن کریم، نشان می‌دهد ایشان از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی، به آینده‌ی انقلاب و تداوم آن می‌اندیشیدند. رهبر معظم انقلاب «معنویت و اخلاق» را رکن مهم در گام دوم انقلاب و موتور محرکه پیشرفت و توسعه می‌دانند که جوانان باید نسبت به این امر مهم اهتمام ویژه داشته باشند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«انقلاب اسلامی ایران با وجود ناملازمات و دشمنی‌هایی که از سر گذارنده، علیرغم تحریم‌ها و تهدیدها و ضربات پی‌درپی بدخواهان خود، وارد دهه پنجم حیاتش شد. در بحث علم و پژوهش که قبل از انقلاب با نوع سیاست‌گذاری‌های رژیم پهلوی که آن نیز ریشه در غرب پرستی دوران قاجار داشت جز وارد کننده علم و دستاوردهای علمی کاری نکردیم. البته در برخی موارد دانشمندان و اساتید حوزه‌های مختلف بودند که با منش عزت‌طلبانه خود سعی در تربیت دانشجویانی متعهد می‌کردند که به علت قلت تعداد و مشکلاتی که از سوی رژیم برای آنها ایجاد می‌شد نمی‌توانستند کاری از پیش ببرند. وجود معنویت و اخلاق است که به علم و اقتصاد و عدالت و آزادی و سبک زندگی

جهت می‌دهد. بعید نیست که ما روزی در حوزه علم از غرب پیشی بگیریم اما این پیشرفت بدون معنویت و اخلاق ثمری نخواهد داشت. آیا پیشرفت بدون توجه به اخلاقیات می‌تواند تضمین کننده این باشد که در چاهی نیافتیم که غرب گرفتار آن است. چندگانگی از تعریف اخلاق و معنویت است که با همه پیشرفت علمی در غرب می‌بینیم سبب شده تا غرب با بحران اخلاقی روبه‌رو شود. از همین روست که امام راحل می‌فرمایند همه چیز باید اسلامی شود. از سیاست و فرهنگ و هنر و اقتصاد و ورزش و مدرسه و دانشگاه تا جزئی ترین مسائل خانواده باید رنگ و بوی اسلامی به خود بگیرد».

در آیات مورد بحث خواهیم دید که قرآن مجید کرارا تعلیم کتاب و حکمت را در کنار تزکیه و پاکسازی اخلاقی قرار می‌دهد؛ گاه «تزکیه» را بر «تعلیم» مقدم می‌دارد، و گاه «تعلیم» و بر «تزکیه»؛ و این نشان می‌دهد که میان این دو رابطه عمیقی است. یعنی هنگامی که انسان از خوبی و بدی اعمال و صفات اخلاقی آگاه گردد و آثار و پیامدهای هر یک از صفات «فضیلت» و «رذیلت» را بداند، بی شک در تربیت و پرورش او مؤثر است؛ بطوری که می‌توان گفت بسیاری از زشتیهای عمل و اخلاق، از ناآگاهیها سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل، اگر علم و آگاهی جای جهل و نادانی را بگیرد، و به تعبیر دیگر، سطح فرهنگ بالا برود، بسیاری از زشتیها جای خود را به زیباییها، و بسیاری از مفاسد اخلاقی جای خود را به محاسن اخلاقی می‌دهد؛ ولی باید توجه داشت این مساله کلیت ندارد.

سبک زندگی ایرانیان از حدود یکصد سال قبل و بخصوص در دوره سلطنت پهلوی با هدف خودباختگی در برابر فرهنگ غربی و شروع روند دگرگونی و اضمحلال فرهنگ و تمدن بومی به معنای عام آن، دچار تغییرات عمیق شد و حتی در دوره‌هایی شعار محافل رسمی، این بود که برای پیشرفت و ترقی و رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ می‌بایست از سرتا نوک پا، غربی شد و غربزدگی، سکه رایج مملکت بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توانست این توطئه را که سناریوی آن بیرون از مرزها نوشته و توسط عوامل داخلی آنان در حکومت طاغوت اجرا و به آن دامن زده می‌شد، خنثی کند. اما این به آن معنا نیست که سبک زندگی فعلی مردم صد در صد مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی است.

در هر صورت، برای داشتن سبک زندگی مناسب باید به اصول و ارزش‌های اسلامی و پیشینه بومی و ملی خود توجه داشت، زیرا تقلید از سبک زندگی غربی به هویت و اصالت فرهنگ دینی و ملی ما ضربه وارد می‌کند و این تجربه استعماری در کشورمان سابقه دارد. از این رو باید قوای سه گانه (دولت به مفهوم عام) و مردم، در یک تعامل دو سویه وارد عمل شوند و برای این موضوع مهم و آینده نگر که سلامت زندگی جامعه را در پی دارد، چاره اندیشی کنند و در صدد تحکیم و ترویج هویت اسلامی - ایرانی در سبک و الگوی زندگی باشند. هر چند وظیفه دولت اسلامی به عنوان حاکمیت و فراهم نمودن زمینه‌های

لازم اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، پر رنگ تر می‌باشد.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهایشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود: «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه». (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

اخلاق نیکو یکی از صفات پسندیده در اسلام و از شیوه‌های مطلوب جاذبه دینی و فضایل انسانی است. در میان آداب اخلاقی و سنت‌های اجتماعی، حسن برخورد با مردم در اخلاق اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و برای مومنانی که با مردم ارتباط دارند این موضوع حائز توجه است. مهمترین مؤلفه جاذبه مردم به امت اسلام برخورداری مبلغان این امر به این صفت پسندیده است که به عنوان یک رفتار مطلوب در میان جامعه اسلامی رایج است. رابطه بین اخلاق و توسعه رابطه‌ای یک جانبه و استاتیک نیست، ارتباط پیچیده بین این دو مقوله از آنجا ناشی می‌شود که اخلاقیات، توسعه پذیرند. اخلاقیات توسعه پذیر، می‌تواند سکوی جهش یک جامعه باشد و زمینه‌هایی چون پویایی، عقلانیت، خلاقیت، تعلیم پذیری، دنیوی بودن، مشارکت پذیری، ریسک پذیری را دارا باشد. توسعه دینی و معنوی و ارزشی می‌تواند بخشی از توسعه قرار گیرد بلکه اساساً در توسعه ایده‌آل که مطلوب ماست محور اساسی توسعه، رشد و تعالی روحی و معنوی انسان است. توسعه‌ای که هماهنگ با نظام آفرینش و هماهنگ با نظام و ساختار وجودی انسان و در نهایت باعث افزودن روح عبودیت و بندگی انسانی نشود، توسعه حقیقی و ایده‌آل نیست. (فرامرزی رفیع پور، «نسبت دین و توسعه»، قیاسات، ۷، بهار ۷۷: ۶)

بیان مسأله

مسأله و چالش اصلی در این اثر، مفاهیم اولیه و واقعی «خانواده و سبک زندگی» و نیز «معنویت و اخلاق و دین‌داری» است که نیاز به تعریف دقیق و اصولی با تاکید بر آیات و روایات اسلامی است، تا بتوان بر اساس شریعت اسلام که ارائه دهنده سیر و سلوک مادی و معنوی جامع‌الشرایط است، عمل و تدبیر نمود. هم‌چنین، ترسیم الگو و مدل دست‌یافتن به پیشرفت نظام اسلامی به سمت دولت اسلامی و امت اسلامی بر اساس این نظریه، مسأله مهم دیگر ما در این پژوهش است که با استناد به نظریات اخیر رهبر فرزانه انقلاب و سایر بزرگان و اندیشمندان انقلاب و نظام اسلامی است که مورد تنظیم و ترسیم قرار گرفته است.

امید است این تحقیق بتواند ابهامات و سوالات پیش رو در تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را بر اساس توجه به این دو مفهوم (علم و اخلاق)، تا حد زیادی برطرف نماید و این امر، مستلزم توجه به آرمان‌ها و اهداف اسلامی و بومی میهن عزیزمان است تا با کنار زدن پرده‌های غفلت و وادادگی و تکیه بر اجانب و منافقان داخلی، برای توسعه و آبادانی میهن اسلامی و جلوگیری از تفرقه و توقف، هرچه بیشتر دلسوزانه عمل کرد و با تکیه به الطاف الهی و تقوای جمعی، به نتایج مطلوب و مورد نظر رسید.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، اثبات اثرگذاری دو مقوله سبک زندگی و اخلاق در پیشرفت جامعه اسلامی و نهایتاً رسیدن به تمدن نوین اسلامی و آرمان‌های دینی و سعادت ابدی است. این پیشرفت، نیازمند حرکت در همه زمینه‌های مادی و معنوی است و مرهون تلاش‌های بسیاری از مجاهدان و علما و عرفای حقیقی است که بخش مهم اجرایی آن را جوانان و خانواده‌ها به دوش می‌کشند. در این مساله، با شرط سبک زندگی اسلامی-ایرانی به یافته‌های مهم و قابل توجهی دست خواهیم یافت. برای رسیدن به این اهداف اصلی به طور کلی، اهداف میانی و فرعی را به شرح زیر تعریف می‌نماییم:

۱. نقش اخلاق در افزایش حرکت علمی جامعه و ایجاد روحیه معنویت دین‌داری.
۲. چگونگی تاثیر متقابل اخلاق اسلامی و سبک زندگی با الگوی معنویت و فرهنگ صحیح دینی.
۳. مولفه‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی و نقاط تنازع آن با سبک زندگی غربی و مدرن.
۴. شرایط توسعه و ترویج معنویت و اخلاق در پرتو سبک زندگی اسلامی-ایرانی با تاکید بر نقش جوانان.
۵. بررسی ابعاد و اهداف بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه اخلاق و خانواده.

پرسش‌های پژوهش

۱. روش‌های تطبیقی و مفاهیم اولیه دو عنصر اخلاق و سبک زندگی از منظر آیات و روایات چیست؟
۲. نقش و تاثیر اخلاق در حوزه‌های مختلف اجتماعی و رویکرد علمی و معنوی سبک زندگی چگونه است؟
۳. نظریه‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب و سایر اندیشمندان چیست؟

۴. چگونگی حصول به معنویت و اخلاق و توسعه فرهنگ دینی در مقابله با سبک زندگی غربی چگونه است؟

روش تحقیق

الف) توصیفی، تحلیلی با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای است، با توجه به این که این پژوهش عهده‌دار پرداختن به مبانی جنگ نرم در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی گام دوم انقلاب می‌باشد. بر این اساس، روش تحقیق در بعد مبانی، به شیوه نظری انجام می‌شود و در بعد عملی، به شیوه کاربردی صورت می‌پذیرد.
ب) نوع تحقیق، نظری و به روش تحقیق در علوم اجتماعی می‌باشد.
پ) روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای به روش فیش‌برداری و مراجعه به منابع دست اول، منویات رهبری، اینترنت، کتب و مقالات مرتبط و معتبر می‌باشد.

بدنه اصلی تحقیق

اهیم اولیه علم اخلاق و خانواده

تعریف علم اخلاق

در این جالازم است قبل از هر چیز به سراغ تعریف اخلاق برویم؛ «اخلاق» جمع «خلق» (بر وزن قفل) و «خلق» (بر وزن افق) می‌باشد، به گفته «راغب» در کتاب «مفردات»، این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می‌گردد، خلق به معنی هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خلق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت: «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است» و به گفته بعضی از دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود (اولی اخلاق صفاتی است و دومی اخلاق رفتاری) (تهذیب الاخلاق، صفحه ۵۱).

«اخلاق» را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد، و آن این که «گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری بطور مستمر از کسی سر می‌زند (مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران) دلیل به این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند.
مرحوم فیض کاشانی در کتاب «حقایق» آورده است: «بدان که خوی عبارت است از هیئتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می‌شود.» (حقایق، صفحه ۵۴)

و به همین دلیل اخلاق را به دو بخش تقسیم می‌کنند: «ملکاتی که سرچشمه پدید آمدن کارهای نیکو است و اخلاق خوب و ملکات فضیله نامیده می‌شود، و آنها که منشأ اعمال بد است و به آن اخلاق بد و ملکات رذیله می‌گویند.

و نیز از همین جا می‌توان علم اخلاق را چنین تعریف کرد: «اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن سخن می‌گوید» و به تعبیر دیگر، «سرچشمه‌های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد».

در کتاب «فلسفه اخلاق» از یکی از فلاسفه غرب می‌گوید: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد.» (فلسفه اخلاق، صفحه ۹)

در حالی که بعضی دیگر که بینشهای متفاوتی دارند (مانند فولکیه) در تعریف علم اخلاق می‌گویند: «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراعات آن می‌تواند به هدفش برسد، علم اخلاق است.» (الاخلاق النظریه، صفحه ۱۰)

معنویت و اخلاق

رهبر معظم انقلاب در فرازی دیگر از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرمایند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

در موضع معنویت و اخلاق نیز باید گفت بی‌تفاوتی جدی به موضوع «تهاجم فرهنگی» سبب شد تا با اوضاع غیرقابل قبول کنونی برسیم. وضعیت حجاب دختران و بی‌باتی

اخلاقی پسران هر چند مطلق نیست و جامعیت ندارد اما باید این را بپذیریم که این مقدار از سو اخلاق نیز شایسته ایران اسلامی نیست. تاکید مداوم مقام معظم رهبری بر تهاجم فرهنگی و بی توجهی ما چه مردم و چه مسئولان به این امر مهم سبب شد که با ولنگاری فرهنگی روبه‌رو شویم.»

اخلاص

اخلاص به خدا مهمترین خصوصیات و ویژگی جوانان است. زیباترین حرکت جوانان و نوجوانان بسیجی زمان امام خمینی (ره) و فعالیت آن‌ها، داشتن رنگ خدائی در کارها است. برای همین است که امام امت، خمینی کبیر (ره) فرموده‌اند:

"بسیج لشکر مخلص خدا است که دفتر تشکیل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضاء نموده‌اند."

مساله اخلاص بسیار دقیق و ظریف است که قبولی اعمال بستگی به مقدار خلوص انسان دارد و هر چه اخلاص بیشتر و کامل‌تری داشته باشد، عمل او ارزشمندتر است. امام صادق علیه السلام در ضرورت توجه به موضوع اخلاص می‌فرمایند:

"هیچ نعمتی بالاتر از این نیست که در دل بنده چیزی جز خدا نباشد."

تواضع و فروتنی

فروتنی و شکستن نفس از مهمترین فضایل انسانی است که مومنین موصوف به چنین اخلاقی می‌باشند. ایشان علاوه بر اینکه در مقابل خدا خاشع و فروتن است در برابر مردم متواضع می‌باشد. قرآن کریم ویژگی مؤمنان و مردان خدا را چنین بیان می‌کند:

"بندگان شایسته خدا کسانی هستند که با آرامش راه می‌روند و آنگاه که از نادانان حرف نامربوط می‌شنوند، نادیده می‌گیرند و اظهار محبت می‌کنند."

حسن خلق

اخلاق نیکو یکی از صفات پسندیده در اسلام و از شیوه‌های مطلوب جاذبه دینی و فضایل انسانی است. در میان آداب اخلاقی و سنت‌های اجتماعی، حسن برخورد با مردم در اخلاق اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و برای افرادی که با مردم ارتباط دارند این موضوع حائز توجه است. مهمترین مؤلفه جاذبه مردم، برخورداری این صفت پسندیده است. در اهمیت حسن اخلاق همین بس که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است:

"برترین شما نیکوکارترین شما از نظر اخلاق است. آنان که خود را آماده خدمت کرده و با دیگران با الفت و مهربانی زندگی می‌کنند."

تعاریف لغوی و قرآنی خانواده

خانواده، کانونی است مقدس که در سایه پیوند زناشویی دو انسان از دو جنس مخالف

پایه گذاری شده و با پیدایش و تولید فرزندان کامل تر می شود. خانواده به عنوان اولین کانون زندگی در رفتار شخص در جامعه و میزان موفقیت وی تأثیر زیادی دارد و شیوه برخورد اعضای خانواده باعث شکل گیری اولیه شخصیت انسان بوده و با مرور زمان این شخصیت در کنار عوامل دیگر تأثیر پذیری خود را از خانواده از دست نمی دهد؛ همچنین اگر در خانواده ای برخورد شایسته ای با فرد صورت گیرد در نحوه پذیرش اعتقاد او نیز تأثیر دارد.

بررسی سبک زندگی خانواده برتر و متعالی ضرورت دارد، علی الخصوص که این سبک ها از دیدگاه خالق انسان و نگرش و حیانی قرآن مورد توجه قرار گیرد که به جنبه های مختلف دنیوی و اخروی انسان توجه داشته و هیچ جنبه ای از جنبه های گوناگون خلقت را فراموش نکرده است. بی شک این نگاه جامع بود و در صورت تدوین صحیح آسیمی را متوجه خود نخواهد ساخت. باید این نکته را نیز اضافه نمود که «خانواده های برتر و متعالی» را می توان خانواده ای دانست که روابط بین اعضای آن بر اساس اندیشه توحیدی بنا نهاده شده باشد و در مقابل برخی از خانواده ها یگانگی پروردگار و ملزومات آن را در اعتقاد، اخلاق و یا رفتار خانواده اصل قرار نداده و «خانواده نااهل» گشته اند.

«خانواده» در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند، و فامیل به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶: ۹۴۳) و به اندازه ای معروف است که نیاز به تعریف ندارد؛ اما شاید تصور همه از آن یکسان نباشد، حتی برخی توصیف آن را کار مشکلی دانسته و طبق نظر اکثریت مردم چنین تعریف کرده اند:

خانواده در نظر بسیاری از مردم به منزله یک واحد اجتماعی است که شامل یک زوج متاهل و فرزندان شان است که در خانه ای در کنار یکدیگر زندگی می کنند. (دانش خانواده، ۱۳۸۷، ۷۷)

هدف از تشکیل و تداوم خانواده به تناسب زن و مردی که آن را تشکیل می دهند متفاوت است که برخی از اهداف آن را به طور اجمال می توان تحقق جامعه سالم، تداوم نسل، تامین نیازهای اساسی، تربیت اجتماعی نسل، حراست ایمان، جمال اجتماعی، رشد و بالندگی دانست. (دانش خانواده، ۱۳۸۷، ۹۶-۸۴) ولی در منطق قرآن هدف از تشکیل خانواده آرامش انسان و دوستی و مهربانی (روم، آیه ۲۱) ایمان به پروردگار و شکر نعمت پروردگار (نحل، آیه ۷۲) معرفی شده است.

قرآن در تعبیر از زن به عنوان یکی از ارکان اصلی خانواده تعبیر گوناگونی را به کار برده است؛ زمانی که از آدم و همسرش سخن به میان می آید واژه زوج به کار رفته است (بقره، آیه ۳۵)؛ ولی در مواردی چون همسر عزیز (یوسف، آیه ۵۱)، همسر نوح (تحریم، آیه ۱۰)، همسر لوط (تحریم، آیه ۱۰)، و همسر فرعون (قصص، آیه ۹) از واژه امرأت

استفاده کرده است؛ علت تفاوت تعبیر را می‌توان این گونه تبیین کرد که واژه زوج زمانی به کار می‌رود که مسأله زوجیت یا جفت بودن مرد برای زن محور و معیار سخن اصلی آیه بوده و حکمت و آیتی را بیان می‌کند یا در مقام تشریع و تبیین حکمی است؛ اما هر جایی که آیت زوجیت یعنی آن آرامش، دوستی و مهربانی به سبب خیانت یا ناسازگاری در عقاید از میان رفته باشد دیگر زوج نیست بلکه امرأت است. همچنین در مواردی که فلسفه ازدواج با مسأله‌ای چون عقیم شده یکی از طرفین از میان برود امرأت به کار رفته است نه زوج. (اعجاز بیانی قرآن، ۱۳۸۲، ۲۲۴-۲۴۶)

همچنین در منطق قرآن هر کسی که از پدر و مادر متولد شود «اهل» آن خانواده به شمار نمی‌آید همان طوری که در باره فرزند نوح (ع) می‌فرماید: یا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ (نوح، آیه ۴۶) و از عموی ابراهیم (ع) در آیاتی (مریم، آیه ۴۲؛ انبیاء، آیه ۵۲) به «اب» تعبیر نموده است. (بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق، ۱۲: ۴۸؛ الهدی الی دین المصطفی، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۱۴۹) پس می‌توان گفت: خانواده به کسی گفته می‌شود که ارتباط دینی یا آیینی با فرد دارد و به هر زن و شوهری در فرهنگ قرآن خانواده گفته نمی‌شود؛

حیات طیبه چیست؟

در این که منظور از حیات طیبه (زندگی پاکیزه) در اینجا چیست؟ مفسران تفسیرهای متعددی ذکر کرده اند، بعضی آن را به معنی روزی حلال، و بعضی به قناعت و رضا به داده الهی، بعضی به عبادت همراه با روزی حلال، بعضی به توفیق بر اطاعت فرمان الهی، تفسیر کرده اند. و بعضی هرگونه پاکیزگی از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، عداوت‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و طهارت و پاکیزگی و رفاه و آسایش را در مفهوم آن مندرج دانسته اند؛ ولی با توجه به جمله ولنجزینهم اجرهم که ناظر به پاداش آخرت است، بیشتر به نظر می‌رسد که «حیات طیبه» اشاره به زندگی پاکیزه این دنیا باشد.

کاربرد و اهمیت اخلاق و خانواده در آیات و روایات

اهمیت اخلاق در روایات اسلامی

این مسأله در احادیثی که از شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین از سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است با اهمیت فوق العاده‌ای تعقیب شده، که به عنوان نمونه چند حدیث پرمعنای زیر را از نظر می‌گذرانیم:

۱- در حدیث معروفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده

ام.» (کنز العمال، حدیث ۵۲۱۷۵، جلد ۳، صفحه ۱۶)

تعبیر به «انما» که به اصطلاح برای حصر است نشان می‌دهد که تمام اهداف بعثت

پیامبر صلی الله علیه و آله در همین امر یعنی تکامل اخلاقی انسانها خلاصه می‌شود.

۲- در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «لو کنا لانرجو جنه ولا نخشی نارا ولا ثوابا ولا عقابا لکان ینبغی لنا ان نطالب بملکات الارواح فانها مما تدل علی سبیل النجاح؛ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم، چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.» (مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۲۸۳، چاپ قدیم)

۳- در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «جعل الله سبحانه مکارم الاخلاق صلهً بینة و بین عباده فحسب احدکم ان یتمسک بخلق متصل بالله؛ خداوند سبحان فضائل اخلاقی را وسیله ارتباط میان خودش و بندگانش قرار داده، همین بس که هر یک از شما دست به اخلاقی بزند که او را به خدا مربوط سازد.» (تنبيه الخواطر، صفحه ۳۶۲)

به تعبیر دیگر، خداوند بزرگترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع تمام فضائل است، و قرب و نزدیکی به خدا جز از طریق تخلق به اخلاق الهی مکان پذیر نیست! بنابراین، هر فضیلت اخلاقی رابطه‌ای میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و او را گام به گام به ذات مقدسش نزدیکتر می‌سازد.

زندگی پیشوایان دینی نیز سرتاسر بیانگر همین مساله است که آنها در همه جا به فضائل اخلاقی دعوت می‌کردند، و خود الگوی زنده و اسوه حسنه‌ای در این راه بودند و به واست خدا در مباحث آینده در هر بحثی به نمونه‌های اخلاقی آنها آشنا خواهیم شد؛ و همین بس که قرآن مجید به هنگام بیان مقام والای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وانک لعلی خلق عظیم؛ تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!» (سوره قلم، آیه ۴)

اخلاق و توسعه

رابطه بین اخلاق و توسعه رابطه‌ای یک جانبه و استاتیک نیست، ارتباط پیچیده بین این دو مقوله از آنجا ناشی می‌شود که اخلاقیات، توسعه پذیرند. اخلاقیات توسعه پذیر، می‌تواند سکوی جهش یک جامعه باشد و زمینه‌هایی چون پویایی، عقلانیت، خلاقیت، تعلیم پذیری، دنیوی بودن، مشارکت پذیری، ریسک پذیری را دارا باشد.

اقتصاد دانان برجسته‌ای چون هاگن بر اصالت اخلاقی صحنه می‌گذارند و تحولات اقتصادی را معلول تحول فرهنگی و منبعث از آن می‌دانند. وی می‌نویسد: که «تحول اساسی در فرهنگ» به خودی خود باعث می‌شود که اقتصاد از حالت رکود خارج گردد و به رشد و توسعه رو نهد». روستو جنبه‌های اخلاقی را که مربوط به توسعه اقتصادی

می‌شود، شامل تمایل به پیش بردن علم، تمایل به کارودانش مکتسبه در محیط مادی زندگی، تمایل به داشتن فرزند و کوشش برای پیشرفت مادی می‌داند. (مرتضی قره باغیان و مرتضی اسلامی، «اخلاق و توسعه»، دانشگاه اسلامی، ۲: ۶۴)

تعالیم اخلاقی ضمن آن که سمت حرکت، استراتژی رشد و شدت رشد را تعیین می‌کند، ولی تحولات اقتصادی جامعه اخلاقیات جامعه، را در محل نوین تحت تأثیر قرار می‌دهد. (همانجا)

« شهید مطهری می‌نویسد: اگر قدرت را بعنوان ملاک پیشرفت بدانیم جوامع غربی امروزه جزء «جامعه‌ی پیشرفته» هستند نسبت به گذشته. مثلاً از نظر ثروت (قدرتشان به گذشته) خیلی بیشتر شده است ولی اگر مثلاً جنبه‌های انسانی آن را در نظر بگیریم قدری کمیت آن‌ها لنگ می‌شود، یعنی خود غربی‌ها نیز دیگر مدعی پیشرفت نیستند. مساله‌ای که در اینجا طرح کرده است تحت عنوان «انحطاط غرب» که اکنون مساله مهمی در دنیا شده است و آن را طرح می‌کنند ارتباطی با مساله قدرت ندارد. در حالی که غرب از نظر تکنیک روز به روز پیشتر می‌رود، همواره صحبت از انحطاط غرب است، و تازه غرب نه فقط با معیار ارزش‌های اخلاقی انحطاط دارد (بلکه با برخی معیارهای دیگر نیز انحطاط دارد). بگذار انحطاط داشته باشد در شرایطی که روز به روز از نظر فنی قوی‌تر و مجهزتر می‌شوند، در حال انحطاطی است که منجر به سقوط آن خواهد شد. (مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، ج ۱، ص ۲۳۳)

مکاتب اخلاقی فراوانی در غرب و شرق مطرح است و به طور خلاصه می‌توان گفت اخلاقی می‌تواند انسان را به سعادت رهنمون سازد که از سوی آفریننده‌ی او آمده باشد، زیرا کسی که انسان را آفریده است بهتر از هر کس دیگر می‌داند راه و چاه و به عبارت دیگر سعادت و شقاوت او در چیست؟

می‌توان ادعا نمود که اخلاق دینی آن هم کامل‌ترین دین که همانا اسلام است می‌تواند توسعه هم‌سنگر و پایدار را برای آدمی به ارمغان بیاورد و مسلم این که توسعه منهای اخلاق اسلامی نه تنها مفید نیست بلکه ممکن است مضر نیز باشد.

نقش اخلاق در زندگی و تمدن انسانها

بعضی مسائل اخلاقی را، به عنوان یک امر خصوصی در زندگی شخصی می‌نگرند، و یا آنها را مسائل مقدس روحانی و معنوی می‌دانند که تنها در زندگی سرای دیگر اثر دارد، در حالی که این یک اشتباه بزرگ است؛ اکثر مسائل اخلاقی بلکه همه آنها، آثاری در زندگی اجتماعی بشر دارد.

درست است که زندگی فردی نیز بدون اخلاق، لطافت و شکوفایی و زیبایی ندارد؛

درست است که خانواده‌ها بدون اخلاق سامان نمی‌پذیرند؛ ولی از آنها مهمتر، زندگی اجتماعی بشر است که با حذف مسائل اخلاقی به سرنوشت دردناکی گرفتار می‌شود که بدتر از آن تصور نمی‌شود.

ممکن است گفته شود، سعادت و خوشبختی و تکامل جوامع بشری را می‌توان در پرتو عمل به قوانین و احکام صحیح به دست آورد، بی آن که مبانی اخلاقی در افراد وجود داشته باشد. در پاسخ می‌گوییم عمل به مقررات و قوانین نیز بدون پشتوانه اخلاق ممکن نیست؛ تا از درون انسانها انگیزه‌هایی برای اجرای مقررات و قوانین وجود نداشته باشد، تلاشهای برونی به جایی نمی‌رسد. زور و فشار، بدترین ضمانت اجرایی قوانین و مقررات است که جز در موارد ضروری نباید از آن استفاده کرد و در مقابل آن، ایمان و اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات محسوب می‌شود.

با این اشاره به قرآن مجید باز می‌گردیم و نمونه‌هایی از آیات قرآن را که ناظر به این مساله مهم است مورد توجه قرار می‌دهیم:

۱- ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون (سوره اعراف، آیه ۹۶).

۲- ولا تستویا حسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه ولی حمیم وما یلقها الا الذين صبروا وما یلقها الا ذو حظ عظیم (سوره فصلت، آیه ۳۴ و ۳۵)
 ۳- فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)

۴- وما ارسلنا فی قریة من نذیر الا قال مترفوها انما بارسلتم به کافرون (سوره سبا، آیه ۳۴)
 ۵- وابتغ فیما اتک الله الدار الآخرة ولا تنس نصیبک من الدنيا واحسن کما احسن الله الیک ولا تبغ الفساد فی الارض ان الله لایحب المفسدین - قال انما اوتیته علی علم عندی اولم یعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون من هو اشد منه قوة واكثر جمعا ولا یسئل عن ذنوبهم المجرمون (سوره قصص، آیه ۷۷ و ۷۸)

۶- فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا - ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم انهارا (سوره نوح، آیه ۱۰ تا ۱۲)

۷- ولو انهم اقاموا التوریه والانجیل وما انزل الیهم من ربهم لاکلوا من فوقهم ومن تحت ارجلهم منهم امه مقتصده وکثیر منهم ساء ما یعملون (سوره مائده، آیه ۶۶)

۸- من عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبة ولنجزینهم اجرهم باحسن ماکانوا یعملون (سوره نحل، آیه ۹۷)

۹- ومن اعرض عن ذکری فان معیشه ضنکا ونحشره یوم القیمة اعمی (سوره طه، آیه ۱۲۴)

۱۰- ولاتنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم (سوره انفال، آیه ۴۶)

ترجمه:

۱- و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم، ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

۲- هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گوئی دوستی گرم و صمیمی است!

۳- به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر تندخو و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند، پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد!

۴- و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر این که مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم!»

۵- و در آنچه خدا به تو داده. سرای آخرت را بطلب، و بهره ات را از دنیا فراموش مکن! و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن! و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! - (قارون) گفت: «این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده ام!» آیا او نمی دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرده که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد) مجرمان از گناهانشان سؤال نمی شوند!

۶- به آنها گفتیم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است! - تا بارانهای پر برکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد! - و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نهادهای جاری در اختیارتان قرار دهد!

۷- و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده [قرآن] برپادارند، از آسمان و زمین روزی خواهند خورد، جمعی از آنها معتدل و میانه رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می دهند.

۸- هر کس کار شایسته ای انجام دهد. خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم، و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد.

۹- و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم!

۱۰- ... و نزاع (و کشمکش) نکنید، تاسست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!

تفسیر و جمع بندی

در نخستین آیه، سخن از رابطه برکات زمین و آسمان؛ باتقوا است، باصراحت می‌فرماید: ایمان و تقوا سبب می‌شود که برکات آسمان و زمین به سوی انسانها سرازیر گردد؛ و بعکس، تکذیب آیات الهی (و بی تقوایی) سبب نزول عذاب می‌گردد.

«برکت» در اصل به معنی ثبات و استقرار چیزی است، و این واژه بر هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می‌گردد؛ بنابراین موجودات بی برکت آنها هستند که ثبات و قراری ندارند و زود فانی و نابود می‌شوند.

بسیارند از امتهایی که دارای امکانات مادی فراوان هستند و منابع زیرزمینی و روزمینی و انواع صنایع را دارند، ولی به خاطر تباهی اخلاق و فساد اعمال که نتیجه مستقیم فساد اخلاق است، این مواهب برای آنها ناپایدار و فاقد برکت است و غالباً در مسیر نابودی شان به کار گرفته می‌شود.

به تعبیر دیگر، هرگاه مواهب الهی با ایمان و اخلاق و اصول انسانی همراه باشد مایه عمران و آبادی و رفاه و آسایش و سعادت و نیکبختی است این همان چیزی است که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده است. بعکس، هرگاه با سوءاخلاق و بخل و ظلم و خودکامگی و هوسبازی همراه باشد، مایه تباهی و فساد است!

در دومین آیه، طریقه بسیار مؤثر و مهمی را برای پایان دادن به کینه توزی‌ها و عداوت‌ها، ارائه می‌دهد و نقش اخلاق را در برچیدن نفرت‌ها و کینه‌ها روشن می‌سازد.

می‌فرماید: «با نیکی، بدی را دفع کن، تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند.» (ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینة عداوة کانه ولی حمیم)

سپس می‌افزاید: این کار همه کس نیست، و این بزرگواری وسعه صدر، از هر کس بر نمی‌آید، «تنها کسانی به این مرحله می‌رسند که دارای صبر و استقامتند، و تنها کسانی به این فضیلت اخلاقی نائل می‌شوند، که بهره عظیمی از ایمان و تقوا دارند!» (وما یلقها الا الذین صبروا وما یلقها الا ذو حظ عظیم)

در سومین آیه، از تاثیر حسن اخلاق در جلب و جذب مردم سخن می‌گوید و نشان می‌دهد یک مدیر متخلق به اخلاق الهی تا چه حد در کار خود موفق است، و چگونه دل‌های رمیده را در اطراف خود جمع و متحد می‌سازد، اتحادی که مایه پیشرفت و تکامل جامعه‌ها است، می‌فرماید:

«از پرتو رحمت الهی در برابر آنها نرم و مهربان شدی! و اگر تندخو و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند، آنها را عفو کن و برای آنها آمرزش الهی بخواه، و در کارها با آنها مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن چرا

که خدا متوکلان را دوست دارد! (فبما رحمۃ من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین)

این آیه تاثیر عمیق حسن اخلاق را در پیشرفت امر مدیریت و جلب و جذب دلها و وحدت صفوف و پیروزی و موفقیت جامعه نشان می‌دهد؛ بنابراین، تاثیر حسن اخلاق تنها در بعد الهی و معنوی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه اثر وسیعی در زندگی مادی انسانها نیز دارد. دستورات سه گانه‌ای که در ذیل آیه آمده یعنی مساله «عفو و گذشت از خطاها» و «طلب آمرزش از پیشگاه خدا» و «مشورت در کارها» نیز در همین راستا است، چرا که این خلق و خوی که از مهربانی و تواضع سرچشمه می‌گیرد سبب عفو و گذشت و استغفار جبران خطاهای پیشین و احترام به شخصیت و ارزش وجودی انسانها می‌شود.

چهارمین آیه، آثار منفی بعضی از اخلاق سوء را نشان می‌دهد که همیشه و همه جا در برابر پیامبران راستین، گروهی مترفین قیام کردند، همان‌ها که مست ناز و نعمت بودند، و روح تکبر و خودخواهی تمام وجودشان را پر کرده بود.

این خلق و خوی زشت سبب می‌شود که در برابر هرگونه اصلاح اجتماعی بایستند؛ مردان حق را بکشند، و صدای حق طلبان را خاموش کنند و بذر فساد و ظلم و طغیان در جامعه‌ها بپاشند، و از اینجا نمونه دیگری از تاثیر اخلاق سوء، در وضع جوامع بشری روشن می‌شود.

در پنجمین آیه، به چهره دیگری از این مساله رو به رو می‌شویم که داستان «قارون» ثروتمند مغرور و خودخواه بنی اسرائیل را بیان می‌کند.

او با غرور و تکبر مخصوص به خود گفت: «این ثروت عظیم را به وسیله علم و دانش (و لیاقت و کار دانی ام) به دست آورده‌ام!» (قال انما اوتيته علی علم عندی)

یعنی، نگویید خدا به من داده است، بگویید علم و لیاقت و درایت، به من داده است؛ و سرانجام همین کبر و غرور او را به وادی هولناک انکار آیات الهی و ادامه فساد و ظلم و همکاری با دشمنان حق و عدالت کشانید، و در یک حادثه عجیب، او و تمام اموالش در کام زمین فرو رفت.

در ششمین آیه، شکایت حضرت نوح علیه السلام را در پیشگاه خدا می‌خوانیم که در لابه لای آن اشارات پر معنایی به تاثیر اعمال آدمی - و خلق و خوهای که پشتوانه این اعمال است - در زندگی فردی و اجتماعی انسان شده است.

همین معنی در سوره هود به شکل دیگری آمده است که از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به مشرکان مکه می‌فرماید: «دعوت من این است که از پروردگار خویش آمرزش بطلبید و استغفار کنید، و به سوی او باز گردید، تا مواهب نیکو در مدت

معینی در اختیار شما بگذارد! (وان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یمتکم متاعا حسنا الی اجل مسمی) (سوره هود، آیه ۳) بی شک بخشش «متاع حسن» تا سرآمد معینی، اشاره به مواهب مادی زندگی دنیا است که در گرو استغفار و توبه از گناه و بازگشت به سوی خدا و تخلق به اخلاق قرار داده شده است.

شکی نیست که صفات زشت سرچشمه انواع گناهان است و گناهان سبب گسترش فساد در جامعه و از هم گسیختگی رشته وحدت و اتحاد و دوستی و برادری و اعتماد در میان آنها است و همین امر سبب عقب ماندگی در مسائل عمران و آبادی و توسعه اقتصادی و سلامت نفوس و رفاه مادی و تکامل معنوی می شود.

باز در اینجا رابطه و پیوند نزدیک را در میان اعمال صالح و تقوا از یکسو، و نزول برکات زمین و آسمان را از سوی دیگر، مشاهده می کنیم؛ این رابطه می تواند هم جنبه روحانی داشته باشد و هم طبیعی، و در حقیقت هر دو آنها است.

در هشتمین آیه، به تعبیر تازه ای برخورد می کنیم و آن پیوند و ارتباط حیات طیبه (زندگی پاک و پاکیزه) با اعمال صالح (و صفاتی که سرچشمه آن اعمال است) می باشد، می فرماید: «هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن است خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام داده اند خواهیم داد!»

در نهمین آیه از آیات مورد بحث، اعراض از یاد خدا و حالت غفلت و بی خبری را سرچشمه «معیشت ضنک» (زندگی تنگ و سخت) می شمرد و می فرماید: «هر کس از یاد من روی گردان شود زندگی سخت و تنگی خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسوس می کنیم.» (ومن اعرض عن ذکری فان عیشت ضنکا ونحشره یوم القیمه اعمی) می دانیم یاد خدا و توجه به اسماء و صفات والای او که ذات پاکش منبع تمام کمالات، بلکه کمال کل فی الکل است، سبب پرورش فضائل اخلاقی در نهاد آدمی است؛ و او را روز به روز از نظر خلق و خوی به اسماء و صفات الهی نزدیکتر می سازد، و این خلق و خوی او که سرچشمه اصلی اعمال صالح است، زندگی را برای او گسترده و آسان و پاک و پاکیزه می کند؛ و بعکس، اعراض و روی گردانی از ذکر خدا، او را از این منبع نور، دور ساخته و به خلق و خوی ظلمانی شیاطین نزدیک می -کند؛ و همان، سبب معیشت ضنک می شود و زندگی مرگبار در انتظار او می باشد؛ و این یکی دیگر از آیات قرآنی است که با صراحت رابطه اخلاق و ایمان را با وضع زندگی فردی و اجتماعی انسان ها آشکار می سازد.

جمعی از مفسران یا ارباب لغت، «معیشت ضنک» را به زندگی و درآمدهای حاصل از کسب حرام تفسیر کرده اند، چرا که چنین زندگی سرچشمه ناراحتی های فراوان است. در دهمین آیه، به یکی از اثرات سوء عداوت و دشمنی و نزاع - که موجب فرو ریختن

و ویران شدن پایه‌های وحدت و بر باد رفتن قوت و قدرت است - اشاره کرده، می‌فرماید: «نزع و کشمکش نکنید که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود» (ولاتنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم)

بدیهی است منازعات و اختلافات و کشمکشها همواره زاییده یک سلسله خلق و خوهای رذیله و پست است؛ انحصار طلبی، خودخواهی، منفعت پرستی، خودبرتربینی، حرص و کینه و حسد و مانند این‌ها هر یک از سرچشمه‌های نزاع محسوب می‌شود، و نتیجه آن فشل و سستی و بر باد رفتن عزت و شوکت است.

و به هر حال، سرچشمه اختلاف هر چه باشد (خودخواهی، سودپرستی، حسد، بخل، کینه توزی و غیر آن) تاثیر آن در زندگی انسان‌ها و عقب افتادگی اجتماعی، غیر قابل انکار است؛ و از اینجا پیوند مسائل اخلاقی، و مسائل زندگی اجتماعی انسان‌ها روشن می‌شود.

نتیجه

از آیات بالا بخوبی استفاده می‌شود که هر خلق و خوی بر جسته انسانی علاوه بر جنبه‌های معنوی و اخروی، تاثیر عمیقی در زندگی مادی و دنیوی انسان‌ها دارد؛ به همین دلیل، نباید تصور کرد که مسائل اخلاقی یک سلسله مسائل فردی و شخصی است، و چیزی جدا از زندگی اجتماعی انسان‌ها است؛ بلکه بعکس، رابطه بسیار قوی و نزدیک با آن دارد، و هرگونه دگرگونی اجتماعی، بدون دگرگونی اخلاقی امکان پذیر نیست.

بدیهی است آمادگی‌های اخلاقی که برای هضم نقاط اختلاف و رسیدن به وحدت و قدرت و عظمت لازم است، چیزی نیست که با گفتگو به دست آید، بلکه نیازمند به تهذیب نفوس و تعلیم و تربیت کافی است که موجب رشد و تعالی در جهات اخلاقی گردد.

رابطه زندگی مادی با مسائل اخلاقی در روایات اسلامی

در روایات اسلامی تاثیر عمیق صفات اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها موکد است که در ذیل به قسمتی از این احادیث پرمعنی اشاره می‌شود:

- ۱- در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «سعة الاخلاق كنوز الارزاق؛ گنج‌های روزی‌ها، در اخلاق خوب و گسترده، نهفته شده است!» (بحار، ج ۷۵، ص ۵۳)
- ۲- در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «حسن الخلق یزید فی الرزق؛ حسن خلق، روزی را زیاد می‌کند!» (بحار، ج ۶۸، ص ۳۹۶)

- ۳- در حدیث دیگری از علی علیه السلام درباره تاثیر حسن اخلاق در جلب و جذب مردم به استحکام رابطه دوستی در میان آن‌ها چنین آمده است:

«من حسن خلقه کثر محبوه وأنست النفوس به؛ کسی که اخلاقش نیکو باشد، دوستانش فراوان می‌شوند و مردم به او انس می‌گیرند.» (غررالحکم)

۴- باز در حدیث دیگری از امام ششم، امام صادق علیه السلام این معنی با صراحت بیشتری آمده، می‌فرماید:

«ان البر وحسن الخلق يعمران الديار ويزيدان في الاعمار؛ نيكوكارى و حسن اخلاق، خانه‌ها (و شهرها) را آباد و عمرها را زياد مى‌کند!» (بحار، ج ۶۸، ص ۳۹۵)

شک نیست که عمران و آبادی در سایه اتحاد و صمیمیت و همکاری در میان قشرهای جامعه به وجود می‌آید، و آنچه باعث تحکیم این امور شود، از عوامل مهم عمران و آبادی خواهد بود. طول عمر نیز مولود آرامش فکر و آسودگی خیال و جلوگیری از فقر و همکاری و همبستگی اجتماعی است و این امور در سایه اخلاق به دست می‌آید.

۵- در همین رابطه، در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «حسن الخلق يثبت المودة؛ اخلاق خوب پیوند محبت و دوستی را محکم می‌ند.» (بحار، ج ۷۴، ص ۱۴۸)

۶- در حدیثی از علی علیه السلام می‌خوانیم: «من ساء خلقه ضاق رزقه؛ کسی که اخلاقش بد باشد، روزی او تنگ می‌شود!» (غررالحکم)

۷- و نیز از همان حضرت آمده است که فرمود: «من ساء خلقه اعوزه الصديق والرفيق؛ کسی که بد اخلاق باشد دوستان و رفیقان او پراکنده می‌شوند و او را رها می‌کنند» (غررالحکم)

۸- باز از همان حضرت آمده است: «سوء الخلق نكد العيش وعذاب النفس؛ اخلاق بد موجب سختی و تنگی زندگی و ناراحتی روح و وجدان می‌شود.» (همان)

۹- از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: «من ادوم الناس غما؛ چه کسی غم و اندوهش از همه بیشتر است؟» قال علیه السلام: «اسوئهم خلقا! فرمود: کسی که از همه اخلاقش بدتر است!» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۸ (چاپ قدیم))

۱۰- و بالاخره در حدیثی می‌خوانیم که لقمان حکیم به فرزندش چنین نصیحت می‌کرد: «ایاک والضجر وسوء لخلق وقلّة الصبر فلا یستقیم علی هذه الخصال صاحب؛ از بی حوصلگی و سوء خلق و کم صبری بپرهیز که با داشتن این صفات بد، دوستی برای تو باقی نمی‌ماند!» (بحار، ج ۱۰، ص ۴۱۹)

سبک زندگی خانواده برتر از منظر قرآن

اسلام، در روش تربیتی خود، انسان‌ها را به الگوها، ایده آل‌ها و نمونه‌های برتر توجه می‌دهد. تاثیر الگوها در ساخته شدن فرد و اجتماع بر کسی پوشیده نیست. خانواده، کوچک ترین واحد اجتماعی است که سلول اولیه آن را زن و شوهر تشکیل می‌دهند. آرامش، انسان دوستی، مهربانی و ایمان به پروردگار از جمله اهداف بلند قرآن کریم در تبیین هدف تشکیل خانواده است که اعضای آن می‌توانند در رسیدن همدیگر به کمال

حقیقی انسان، یاری رسان باشند؛ بویژه اگر این خانواده بر اساس اندیشه توحیدی بنا نهاده شده و بتواند قوانین کلی جهت تطبیق با نیازهای روزانه و نحوه رفتار صحیح در سبک زندگی را رعایت نماید.

مقاله حاضر با عنوان «سبک زندگی خانواده برتر از منظر اسلام» پس از بیان مقدمه به تبیین مفهوم خانواده و سبک زندگی، پرداخته و سبک زندگی را در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و رفتاری مورد بررسی قرار داده است و به نمونه‌هایی از خانواده برتر در قرآن کریم پرداخته و در پایان نتیجه گیری کلی از مباحث ارائه داده است.

«معنویت و اخلاق» موتور محرکه در مسیر گام دوم انقلاب

رهبر معظم انقلاب «علم و پژوهش» و «معنویت و اخلاق» را ۲ رکن مهم در گام دوم انقلاب و موتور محرکه پیشرفت و توسعه می‌دانند که جوانان باید نسبت به این ۲ امر مهم اهتمام ویژه داشته باشند. انقلاب اسلامی ایران با وجود ناملايمات و دشمنی‌هایی که از سر گذارنده، علیرغم تحریم‌ها و تهدیدها و ضربات پی‌درپی بدخواهان خود، وارد دهه پنجم حیاتش شد.

رهبر معظم انقلاب در فرازی دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرمایند: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.

در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آن‌ها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمت‌گزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.»

سیره ملی معصومین(ع) در دین اسلام:

- ۱- رفتار یک مسئول در نظام اسلامی باید با سایر نظام‌های سیاسی متفاوت باشد.
- ۲- یک مسئول در نظام اسلامی باید طوری رفتار نماید که مردم او و رفتارش را الگو و سرمشق خود در زندگی شخصی نیز قرار بدهند.

۳- بر اساس نقل معروف "الناس بامرائهم ائمه من ابائهم" حاکم و کارگزار اسلامی می‌تواند الگوی یک جامعه بوده و بر سبک زندگی و رفتار مردم آن جامعه تاثیر بگذارد. مردم نیز معمولاً در زندگی شان به رهبران و بزرگترهای جامعه نگاه می‌کنند.

۴- رفتار و سبک زندگی رهبران و کارگزاران یک جامعه می‌تواند بیان‌گر سبک زندگی جامعه خود نیز باشد.

بهترین راهکار در اصلاح سبک زندگی کارگزاران در کلام گهربار و ارزشمند حضرت علی (ع) است که می‌فرمایند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ». هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود بپردازد و پیش از آنکه به زانش تربیت کند، با رفتار خود تربیت نماید و کسی که آموزگار و مربی خود باشد بیشتر سزاوار بزرگداشت است تا آن که آموزگار و مربی دیگران است.

سبک زندگی کنونی ما در مواجهه با غرب مدرن

از آن جا که جامعه ایران یک جامعه دین‌دار، دین‌محور و خدامحور است و در آن پایبندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می‌شود با ورود نگرش‌ها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته توسط افرادی چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده که از پیشروان آشنایی با تجدد بودند، این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد و هنوز این چالش ادامه یافته است. متأسفانه جامعه ایرانی علی‌رغم مقاومت‌های آگاهانه روایت اصیل و مردم‌دین‌مدار با بسیاری از سنن خویش و امور هویتی و اشکال و قالب‌های سبک زندگی دینی‌اش وداع کرد و عرصه را برای غرب‌زدگی فراهم نمود که منجر به تعریف جدیدی از هویت، زندگی، عالم، علم و دین و دین‌داری گشت.

ایرانیان همان طور که در برخی هویت و ارزش‌ها، دچار بحران شده‌اند، در سبک زندگی نیز در ۱۰۰ ساله اخیر به ویژه از دوران روی کار آمدن رضاخان و تجدد آمرانه‌اش، دچار تشتت و تذبذب بسیار در نگرش‌ها و گرایش‌ها، آداب و رسوم، نظامات و سنن اجتماعی، باورها و حتی باورهای دینی خود گشته و سبک زندگی اسلامی ایرانی دچار تضادها و تناقض‌های بسیار شده است، به نحوی که از جامعه ما یک جامعه شبه مدرن ساخته است که نه می‌توان آن را سنتی و اسلامی نامید و نه می‌توان بر آن نام مدرن نهاد. باید از این تذبذب هویتی نگران بود. نگرانی در کلام انتقادی ولی‌المسلمین کاملاً قابل درک است. رهبر انقلاب اسلامی می‌کوشند تا این فرضیه کلان را اثبات نمایند که زیستن

ایرانی در زمانه کنونی، برآمده از مواجهه و نزاع دو سبک زندگی غربی و اسلامی است. سنت در ساده ترین تعریفش، به امور علق به گذشته تعبیر شده است. آن گاه که یک فرهنگ تاریخی می شود و درون مایه ها و بن مایه های یک تمدن می گردد، تاریخی شدن آن فرهنگ و آن تمدن، سبب پدیداری سنت به شمار می-آیند. سنت را باید یک کلان فرهنگ تاریخی دانست که به انسان و زمانه اش هویت می بخشد. سنت اسلامی از منظر ما از آبشخور وحی و قرآن و نهج البلاغه و روایات سیراب می شود و امری است قدسی و آسمانی و ملکوتی که مرزهای شفاف و روشنی با خرافه گرایی و تحجر دارد.

به لطف حاکمیت فرهنگ ائمه معصومین (علیهم السلام)، بخش عظیمی از تاریخ ما و هم چنین فرهنگ جاری ما، متأثر از دین و برآمده از دین است و دین شکل دهنده و پدیدار کننده سنت خاص در جامعه ایران بوده است. ضعف آشکار بسیاری از پژوهش ها و تحلیل ها پیرامون سبک زندگی، غفلت از جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی است، به نظر می رسد به این دلیل در چشم انداز و منشور ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری تمامی مؤلفه های سبک زندگی اعم از هویت (فهم از خود، فهم از جامعه، فهم از تاریخ و...)، ارزش ها (هم صفات آرمانی و هم انسان های آرمانی)، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده (نظام و نقش)، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام یاسی اجتماعی با مباحث دینی و ا می پیوند خورده است.

برنامه غرب برای حذف سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی با محوریت و موضوع حفظ اصالت دینی و ملیتی جزو اصولی است که در چند دهه اخیر در قالب های مختلف از سوی دشمنان ایران اسلامی مورد تهدید قرار گرفته است. ورود سبک زندگی غربی در ابعاد مختلف با هدف جامعه مخاطب های خاص در ایران امروز به شکلی کاملاً عینی در سطح جامعه قابل رویت است. آنچه که امروز در سطح جامعه، در خانواده ها و رفتارهای فردی بسیاری از ایرانی ها دیده می شود بیانگر این است که دشمن امروز با تمام توان به وسیله جنگ نرم در صدد تغییر یا حذف سبک زندگی ایرانی و اسلامی برآمده است. دشمن مدت است متوجه شده است که اگر بخواهد راه را برای ورود همه جانبه اش به داخل کشور باز کند باید از داخل شروع کند. ابتدا تغییرات زندگی فردی، سپس خانوادگی و در نهایت تغییرات کلان و اجتماعی را رقم بزند. متأسفانه آنچه که امروز ما در سطح شهرها زیاد می بینیم، جوان هایی هستند که به فراخور جنسیت شان اگر دختر باشند با صورت های شکل گرفته از جراحی زیبایی و

آرایش و پسرهایی با لباس‌های برند و متضاد با فرهنگ ما؛ این‌ها همه حاصل تغییرات سبک زندگی و فاصله گرفتن از زندگی اسلامی و ایرانی است. اگر به عملکرد سازمان‌های متولی در حوزه سبک زندگی و ترویج فرهنگ و آموزه‌های غنی اسلامی و ایرانی توجه کنیم، برای اوین بار سال ۱۳۶۸ مقام معظم رهبری خطر ناتوی فرهنگی را در قالب مفاهیم مختلف بیان فرمودند؛ هشدار دادند که در قالب کلماتی مانند رخنه فرهنگی، شبیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی و مهندسی فرهنگی عنوان شد، اما متأسفانه نخبگان اجتماعی و فرهنگی ما این رهنمودها و تذکرات مهم را تنها در حد حرف و شعار نگه داشتند و نخواستند یا نتوانستند، کار شاخصی در این زمینه انجام دهند.

هجوم شبکه‌های ماهواره‌ای در قالب فیلم‌ها و سریال‌ها باعث ظهور مانکن‌های خیابانی و الگوهای رفتاری جدید شده که جوانان ما را به سوی سراب کاذب مدگرایی می‌کشاند. متأسفانه آسیب‌های نوپدید مانند ظهور و بروز عرفان‌های کاذب شرقی و غربی و یا عرفان‌های کاذب مسیحی و صهیونیستی، معنویت جوانان ما را در معرض بزرگترین خطرات قرار داده است.

دین همواره به پوشش مناسب و ظاهر زیبا و آراستگی و نظافت توصیه دارد، اما مدپرستی و برندگرایی که همراه با خود ارزش‌های غیراخلاقی غرب را وارد کشور می‌کند مخالف این اصول است. همان‌گونه که امام خمینی (ره) فرمودند: «... یمنی مخالف ما با فحشا مخالف هستیم». همان‌طور که مقام معظم رهبری همیشه با تأکید بر نقش محوری زنان در حفظ سبک زندگی اسلامی و ایرانی معتقدند «رویکرد هجمه‌ها و ناتوهای فرهنگی که در عرصه مد، برند، لوازم آرایش و رفتارهای غربی است با هدف تأثیر بر جامعه زنان ایران شکل گرفته است».

از آنجا که همسران و مادران نقش محوری در اصلاح سبک زندگی و بازگشت آن به سبک اسلامی دارند همیشه مورد خطاب رهبر معظم و نخبگان دلسوز جامعه بوده و هستند. زنان ما باید با شناخت ارزش خود اجازه ندهند شعور و خصیت آنها توسط رسانه‌های دیداری، مجازی و شنیداری غرب مورد تهاجم و تغییر قرار بگیرد.

سبک زندگی اسلامی ایرانی در اندیشه و بیانات رهبر انقلاب اسلامی

طرح «سبک زندگی» به عنوان توصیه‌ی هفتم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، دارای ابعاد گسترده و فراگیری است که مستلزم تشریح و ارائه الگوی دقیق می‌باشد و به همین خاطر، ایشان تنها به خطر و زیان‌های ناشی از ترویج سبک زندگی غربی و لزوم مقابله‌ی جهادی، همه‌انابه و هوشمندانه با آن پرداختند.

سبک زندگی صحیح؛ عاملِ تداومِ انقلاب

قبل از انقلاب اسلامی، تمرکز اصلی آیت‌الله خامنه‌ای بر «تجدید انقلاب اسلامی» پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و تلاش علمی و عملی برای برانگیختن آگاهانه‌ی مردم در جهت تحقق همین اصل بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، طرح اساسی ایشان با توجه به عبرت‌های تاریخ اسلام و وقایع رخ داده برای انقلاب اسلامی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام، بر «تداوم انقلاب» به عنوان مهمترین مسئولیت پس از انقلاب تمرکز یافت. انقلاب اسلامی در ساحت ایجاد خود، همچنانکه از اسلام منشأ یافته است، در عین حال متکی به مردم بوده و از آنجا که عامل بقای آن همان عامل ایجاد کننده‌ی آن خواهد بود، لذا برخورداری مردم از سبک زندگی دینی و رواج ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه به نحوی که ارزش‌های اصلی جامعه محسوب شود، یکی از ارکان تداوم انقلاب اسلامی است. در این میان، سبک زندگی در ارتباط با جوانان از اهمیت مضاعفی برخوردار است. چه آنکه «پیشران حرکت انقلاب، جوانها هستند». همت گماشتن آیت‌الله خامنه‌ای قبل و حتی بعد از انقلاب اسلامی به تربیت نسل‌های نوجوان و جوان با تکیه بر قرآن کریم، نشان می‌دهد ایشان از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی، به آینده‌ی انقلاب و تداوم آن می‌اندیشیدند.

بینه؛ حجت ورود به وادی دینداری

در اندیشه رهبر انقلاب، ورود به وادی دینداری از طریق «معرفت ایمانی» امکان‌پذیر و کفایت‌نده است بلکه این نوع معرفت از «معرفت استدلالی» کاراتر و برانگیزاننده‌تر به عمل هم هست. به همین دلیل «وقتی که ابوذر مسلمان شد، پیامبر اسلام نرفته بود برهان نظم و برهان خلف و برهان علت اولی را برای او بیان کند و بگوید به این دلیل خدایی هست و خدا یکی است و این بتها خدا نیستند. نخیر؛ با آن بیان پُر جاذبه خودش، ایمانی را در دل ابوذر انداخته بود. میدانید، آن بیانی که بر اثر نورانیت ایمان در دل انسان به وجود می‌آید چقدر ارزشمند است.» تحقق چنین معرفت ایمانی که ظرف آن دل انسان است، میتواند از راه‌ی مختلفی صورت بگیرد؛ یعنی «چه آن را پدر و مادر به انسان بدهند، چه یک بزرگتر دیگر، چه یک حادثه که گاهی آن ایمان ناب را به انسان میبخشد»، در هر صورت، «آن [معرفت ایمانی] برای انسان، خیلی بیشتر به کار می‌آید، تا آن استدلالها». البته اهمیت و کارکرد معرفت استدلالی نفی نمیشود. معرفت استدلالی به لحاظ استحکام ایمان و مقابله با شبهات و وسوسه‌ها و خاصیت تردیدزدایی‌اش هم لازم است. دقت در قرآن کریم، همین معنا را تأیید میکند؛ در فرهنگ قرآن به موجب آیات متعدد از جمله آیه «إِنَّكُمْ بِالْعُدُوِّ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدُوِّ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَخْتَلَفْتُمْ

فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنَّ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ» اگر منظور از هلاکت و حیات یافتن را همان گراییدن به کفر و پذیرش ایمان بدانیم، آنچه در پذیرش دین و ورود به وادی دینداری معیار و حجت است، «بَیِّنَه» است. بَیِّنَه به معنای دلالت و راهنمایی آشکار است؛ و هر آنچه که موجب آشکار شدن حق از باطل گردد و بوسیله آن بتوان به آسانی و بدون مشقت به حق آگاهی پیدا کرد، بَیِّنَه نامیده میشود. این بَیِّنَه منحصر به براهین مشهور کلامی و فلسفی نیست، مشاهده یک کرامت و اعجاز از اولیاء الهی یا دریافت فطری یا مشاهده حادثه غلبه غیرعادی سپاه اسلام بر سپاه دشمن و یا حتی مشاهده تحقق وعده‌ای از وعده‌های الهی نیز مصادیق بَیِّنَه هستند. بر این اساس اصل تحقق انقلاب اسلامی یا پیروزی در هشت سال دفاع مقدس، خود مصادیق و مظاهری از بَیِّنات الهی هستند.

دلالت سبک زندگی بر نوع رفتارها

عبارت سبک زندگی را باید اخصّ از زندگی دید. با دقت در معنای واژه‌ی «سَبک»، می‌توان مراد از سبک زندگی را دقیق‌تر یافت. سَبک مترادف واژه‌ی «سیره» بر وزن «فَعَلَه» در زبان عرب است. در این وزن، واژه نه بر نفس عمل که بر نوع عمل دلالت دارد و اهل لغت آن را همان طریقه، هیئت، رفتار و روش و حالتی دانسته‌اند که انسان و غیر انسان بر آن حالت باشند. شهید مطهری نیز «سیره» را نوع و سبک رفتار دانسته است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آنجایی که سخن از سبک زندگی به میان آورده‌اند، هم‌ردیف آن عبارات «روش زندگی» و «عادات زندگی» را نیز به کار برده‌اند که میتواند حکایت از دلالت سبک زندگی بر رفتارهایی داشته باشد که به عادت یک فرد یا جامعه تبدیل شده‌اند و از آنجا که در توضیح سبک زندگی، از عبارت «چگونگی مشی زندگی» استفاده نموده‌اند، استفاده میشود که اساساً سبک زندگی، نه بر نفس عمل و رفتار، بلکه بر کیفیت، شیوه و چگونگی رفتارها دلالت دارد. بر این اساس در سبک زندگی، چگونگی آن دسته از رفتارهای فردی و اجتماعی مورد نظر است که برای انسان به یک عادت یا حالت پایا تبدیل شده باشند و از نوعی تداوم برخوردار باشند.

اثر قطعی سبک زندگی بر تلقّیات و تعلّقات

یکی از اصول تربیتی در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای، اصل تأثیر متقابل رفتارها، باورها و گرایش‌ها است. بر این اساس، تعلّقات و تلقّیات انسان از رفتارهای خوب و بد او اثر می‌پذیرد. کار اگر بد باشد، «...روی دل ما اثر می‌گذارد، روی اخلاق ما اثر می‌گذارد، گاهی روی برداشت‌ها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد. دلبستگی که پیدا می‌کنیم، این دلبستگی روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد» (رهبر انقلاب: ۳ تیرماه ۱۳۸۸). در باب عمل خوب هم

همین اصل وجود دارد. چنانکه ایمان «انسان را می‌کشاند و به عمل صالح دلالت می‌کند... عمل صالح هم انسان را به ایمان دلالت می‌کند. یعنی یک تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد». این اصل ما را به یک راهبرد مهم میرساند و آن اینکه اصلاح و تغییر تمایلات و اندیشه‌ها میتواند بواسطه‌ی همین رفتارهای ظاهری صورت بگیرد؛ پس باید مراقب عمل جامعه و سبک زندگی جامعه بود. تأثیر عمل بر باور، قطعی و اجتناب‌ناپذیر است: «عمل بد، به تغییر باورها منتهی میشود». البته در منظومه‌ی فکری معظم‌له، آنچه میتواند «ماده‌ی خام» وجود انسان را به «شکلهای برتر» تبدیل بکند، استمرار عمل است و همین استمرار عمل است که می‌تواند ادراک و آگاهی را به ایمان که همان باور قلبی است تبدیل کند. در منطق قرآن نیز عمل بد می‌تواند باور را ایجاد، متأثر و حتی متحول نماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ» همین اصل در سبک زندگی نیز جاری است. در سبک زندگی دینی، تداوم عمل با معرفت دینی توأم است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...» در این آیه، منظور از کلام طیب همان عقاید حق است. علامه طباطبایی با عنایت به عبارت «الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»، مرجع ضمیر در «یرفعه» را عقاید حق می‌داند و معتقد است به میزانی که عمل مکرر شود، اعتقاد راسخ‌تر، روشن‌تر و در تأثیرش قوی‌تر می‌گردد. بر این اساس، سبک زندگی به عنوان راهبردی برای تغییر نگرش‌ها و باورها مطرح است.

راهبرد مروّجان سبک زندگی غربی

خطر ترویج سبک زندگی غربی در توصیه‌ی هفتم از بیانیه‌ی گام دوم انقلاب گوشزد شد. آیت‌الله خامنه‌ای قبلاً تصریح کرده بودند که عده‌ای در داخل کشور درصدد ترویج اخلاق و سبک زندگی غربی با هدف به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی هستند. [۳۰] مروّجان سبک زندگی غربی تحت عناوینی چون «تحول شخصیت ایرانی»، به هدف خود تصریح کرده‌اند. آنها با هدف پیوستن به جهانی شدن به عنوان یک فرایند غربی - آمریکایی، درصدد اصلاح حاکمیت ایران و تغییر مسیر انقلاب هستند. معتقدند راه اصلاح حاکمیت از تغییر باورها و تغییر باورها از طریق تغییر سبک زندگی و مطابقت نظم رفتاری مردم با نظم غربی می‌گذرد. در این صورت خواست مردم با خواست انقلاب متفاوت میشود و در نتیجه انقلاب اسلامی تابع خواست جامعه تغییر مسیر خواهد داد. واقعیت این است که دشمن فهمیده که راه اثرگذاری بر باورهای مردم، تغییر نظم رفتاری ظاهری و به اصطلاح تغییر سبک زندگی است. تدوین اسناد بین‌المللی همچون سند آموزش ۲۰۳۰ و تولیدات و تبلیغات بی‌شمار رسانه‌ای را میتوان در همین چهارچوب تحلیل کرد.

راهبرد جریان فرهنگی انقلاب اسلامی

همچنانکه در سطور پیشین عرض شد، دشمن راهبرد خود را بر تغییر سبک زندگی با هدف تغییر باورها متمرکز کرده است. این راهبرد البته از پشتوانه‌ی نظری برخوردار است و آن اینکه «واقعیت‌های زندگی، در فکر انسان اثر میگذارد؛ رفتار روزانه در دل و روح انسان اثر میگذارد - هم روح خود انسان، هم روح مخاطبان و معاشران انسان - اینها میخواهند این [سبک زندگی] را تغییر بدهند».[۳۱] راه مقابله با این تهاجم نیز از ترویج سبک زندگی دینی و تعمیق و گسترش آن در متن جامعه میگذرد. علمای دینی در حوزه تربیت نیز بر همین شیوه تأکید دارند. انسان موجودی است که نیازمند تربیت عقل، نفس، قلب و آداب ظاهری خود است. در این میان انسان اگر بخواهد عقل و نفس خود را تربیت کند، ابتدا باید از ادب ظاهری شروع کند. ادب ظاهری، اثر تربیتی خود را در نفس و قلب انسان خواهد گذاشت.[۳۲] همچنانکه رهبر انقلاب در توصیه‌ی هفتم بیانیه هم تأکید کردند و قبلاً در دیدار دانشجویان هم خطاب به جوانان دانشجو گفته بودند [۳۳]، مسئولیت اصلی این جهاد، برعهده‌ی جوانان است. جوانان به مثابه پیشران حرکت انقلاب، اگر خود به رعایت سبک زندگی دینی ملتزم باشند، جامعه را هم دنبال خود حرکت خواهند داد. تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر مظاهر دینی در میان جوانان همچون اعتکاف، رونق یافتن فضاهای دینی، اردوهای جهادی، صحنه‌های عبادت، پیاده‌روی‌های زیارت اربعین و... اهمیت همین مطلب را میرساند.

ایجاد تمدن نوین اسلامی

هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. لذا زمانی که تمدن‌سازی شکل گرفت، از میان آن تمدن‌ها متناسب با این رفتارهای سبک زندگی اسلامی، تمدن نوین اسلامی احصاء می‌شود. سبک زندگی اسلامی تقریباً همه مواردی که رهبری در بیانیه گام دوم اشاره کردند، از جمله در خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در برمی‌گیرد و این منظومه فکری را تنها سبک زندگی تکمیل می‌کند. رهبری آن را هم جزء اصول بیانیه گام دوم انقلاب ذکر کردند و در این زمینه چند مساله را مطرح کردند و فرمودند این مسائل آغازگر عصر جدید در عالم است که در انقلاب ما وجود داشته از جمله شعارهای جهانی فطری که در انقلاب همیشه زنده است.

بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری، آن مفهومی که می‌تواند اهداف نظام اسلامی را تا حدودی در خود جمع کند و به ما نشان دهد، مفهوم پیشرفت است. در عین حال، پیشرفت تداعی‌کننده حرکت و راه است و توقف ندارد. از طرفی پیشرفت ما با بحث توسعه‌ای که در غرب مطرح است، تفاوت اساسی دارد، آن توسعه‌ای که در غرب مطرح

است، بیشتر مادی‌گرایانه و تولید قدرت و ثروت است و همین تولید قدرت و ثروت زمینه تجاوز، ستم‌گری و تعدی به حقوق دیگران را مطرح می‌کند.

اما پیشرفت مساله‌ای است که در اسلام مطرح است برخلاف توسعه‌ای که یک بعدی است، پیشرفت در نظام اعتقادی ما چند بعدی است. یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم سبک زندگی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن جز عبارت اخری این مساله است و بعد اشاره می‌کند اگر از منظر معنویت به سبک زندگی اسلامی نگاه کنیم که هدفش رستگاری و نجات انسان است، لذا باید به سبک زندگی اهمیت بدهیم. اگر به معنویت و رستگاری معنوی هم اعتقادی نداشتیم برای زندگی راحت و برخوردار از امنیت و اخلاق روانی باز هم پرداختن به سبک زندگی مهم است.

با فرض پیشرفت همه‌جانبه به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی، مصداق خارجی و عینی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود خواهد داشت. بنابراین، هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است که این تمدن نوین دو بخش دارد؛ بخش ابزاری آن که عبارت است از علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای آن در سراسر کشور. بخش دیگر تمدن‌سازی که بخش متنی، اصلی و اساسی است، رفتارهایی است که بر مبانی اعتقادی و تاملات اجتماعی شکل می‌گیرد، رفتارهای که در جامعه بروز داده می‌شود و برگرفته از ذهن و اندیشه ماست.

این اندیشه یا سبک زندگی هدفی را تبیین می‌کند که ما می‌خواهیم به آن هدف برسیم. در نتیجه این ذهنیت ما در رفتارها بروز پیدا می‌کند و در رفتارهای ما تنوع رفتاری ایجاد می‌شود و در تنوع رفتاری فرهنگ شکل می‌گیرد و وقتی فرهنگ ایجاد شد، تمدن‌سازی شکل می‌گیرد و زمانی که تمدن‌سازی شکل گرفت از میان آن تمدن‌ها متناسب با این رفتارهای سبک زندگی اسلامی، تمدن نوین اسلامی احصاء می‌شود که این تمدن‌سازی نخست وابسته به معانی، اصول و ارزش‌هاست که بر مبانی مباحث اسلامی گرفته شده است و مبانی و اصول و ارزش‌ها نیز برگرفته از آرمان‌هاست؛ آرمان ما نیز رسیدن به قرب الهی است.

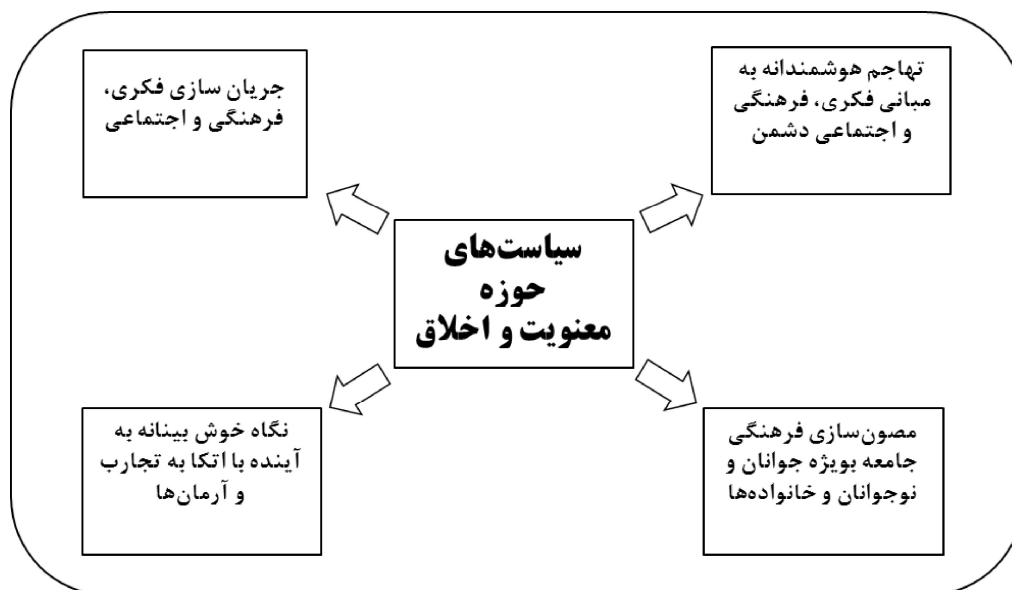
راه جامعه‌سازی و تمدن‌سازی را باید در وجه نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی دانست، یعنی سبک زندگی اسلامی. تحلیلی از چگونگی تحقق این مهم در یک فضای میانه، بین دو وجه آرمان‌گرایانه و الگومندی جامعه تعیین می‌شود؛ در آرمان‌گرایی، سخن از کمال مطلوب و وضع معهودی است که فرد و جامعه (و حتی تاریخ) می‌خواهند بدان برسند، اما در الگوسازی، پیگیری یک اُسوه، نمونه و شرایط تعیین‌یافته است که خود را به فرد و جامعه معرفی می‌کند. اگر ما در جامعه، مدام از آرمانهای بلندپروازانه در دور دستها سخن

بگوییم، این البته کارکردهای خاص خود را خواهد داشت، اما وقتی درباره‌ی الگوسازی سخن می‌گوییم، باید بدانیم که الگو، باید واضح و همه‌فهم و جامعه‌پذیر باشد. تا بتوان آن را در زندگی تکرار نموده و بر اساس آن رفتار شود. اهمیت و کارکرد این بیانیه، در همین جا است که صرفاً بلندنگر و آرمانگرا نیست، بلکه به واقعیت‌ها و عینیت‌ها نیز به طور مکرر ارجاع می‌دهد.

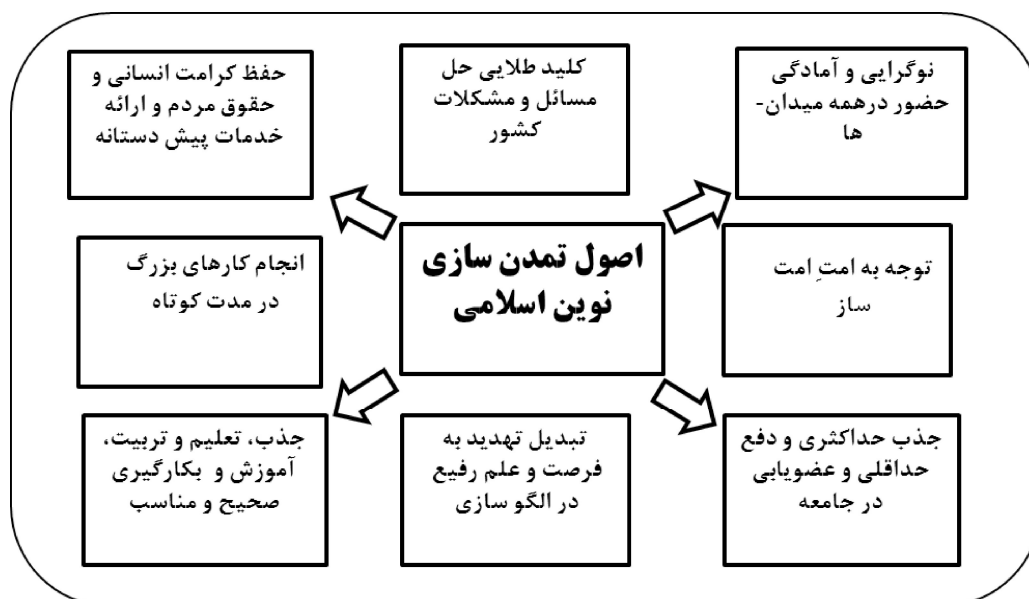
گفتمان‌سازی، فرآیند همه‌پیر کردن یک مفهوم و یک معرفت با استفاده از برنامه‌ریزی مداوم و دائمی تبلیغی و با هدف میانی رشد اندیشه، بینش و باور همراه با احساس مسئولیت و تعهد جامعه و با هدف نهایی رشد اعمال صالح در جامعه است؛ به سخنی دیگر، گفتمان‌سازی دینی، فرآیند تحقق اهداف تبلیغ دینی و اسلامی است. گفتمان، شرایط و وضعیتی است که افراد جامعه می‌توانند در آن تفاهم داشته باشند، شرایطی که در آن، نوعی توافق — به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه — در میان افراد جامعه برقرار است که می‌توانند چیزهایی را معنادار بدانند و به درک مشترکی از آنها رسیده باشند؛ بنابراین اگر امکان و شرایط فهم مشترک در جامعه وجود نداشته باشد، هر اقدام و گفتگو و ارتباطی در سطح جامعه غیرممکن خواهد بود؛ از این رو گفتمان را باید «شرایط تفاهم و مفاهمه در جامعه» بدانیم. بر این مبنا، باور عمومی، تجلی‌گاه گفتمان جامعه است؛ گفتمان یعنی آن وضعیتی که یک سخن (یک آرمان، یک معرفت و...) مورد تفاهم، قبول و پذیرش عموم مردم تلقی شود و مردم به آن توجه کنند؛ گفتمان جامعه، مفهوم و معرفتی است که در بُرهه‌ای از زمان در یک جامعه همه‌گیر میشود.

بیانیه گام دوم انقلاب، متنی است که از سوی رهبر انقلاب، در رأس اقتدار و مدیریت نظام اسلامی و با توجه به کارکردهای همگرایی فکری، افزایش وضوح و تعریف، ایجاد انسجام و نظام‌وارگی، اولویت‌دهی به امور مهم‌تر، تثبیت معارف گذشته و توصیه به استقامت، ارجاع به گفتمان‌ها و اندیشه‌های پیشین، زمان‌آگاهی و تعمیق زمان در فرآیند تمدنی، اُسوگی و الگومندی در نظام شناخت و گرایش و کنش جامعه و بازخوردگیری از حرکت و سیر تحوّل جامعه و نقد آن با ضابطه‌ها و شاخصه‌ای انقلابی شکل یافته و اینها همه، بخشی از کارکردهای گفتمانی این بیانیه هستند.

است ای مهم حوزه معنویت و اخلاق



اصول مهم تمدن سازی نوین اسلامی



خلاصه مباحث

تحقق چشم‌انداز چهل سال آینده انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام‌معلم رهبری (مدظله) و طی مسیر موفق در گام دوم انقلاب اسلامی، نیازمند تبیین مؤلفه‌ی فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که در راستای سبک زندگی ایرانی-اسلامی دارای

ابعاد و نقش‌های متفاوتی در سطح جامعه می‌باشد. با این رویکرد، مبانی و شرح وظایفی از تمامی بازیگران و نقاط حساس و چالش‌برانگیز در جامعه مدنی وجود خواهد داشت که به طور خلاصه شرح خواهیم داد:

۱. الگوی عملی و میدانی اسلام که از سوی عالمان و راویان امین دین الهی اسلام از سوی معادن علم الهی و خزاین رحمت حق تعالی - حضرات معصومین (علیهم‌السلام) - به ما رسیده است، لازم است هر چه محکم‌تر و منسجم‌تر به آن چنگ زد و در واقع به این حبل متقن الهی و کشتی نجات پناه برد. در این راه، طی مسیر فردی و اجتماعی بر هم منطبق و کاملاً یکسو است و سرچشمه خیرات و ركات قرار خواهد گرفت.

۲. سبک زندگی بومی و ایرانی ذیل سبک زندگی اسلامی، دارای نمونه‌ها و مصداق‌های روایی و تجربی زیادی است که باید توجه شود تحت سیطره و اشاعه فرهنگ و بسته آماده سبک زندگی غرب به نام تمدن‌گرایی و مدگرایی قرار نگیرد. این مساله نیازمند حفظ دستاوردها، ارزش‌ها و اسطوره‌های دینی و ملی ماست که نمونه‌های زیادی در طول تاریخ دارد. ۳. بازیگران و محرکان اصلی این حرکت تکاملی، بی‌شک جوانان و خانواده‌ها هستند که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مخاطب اصلی قرار گرفته‌اند. تعبیر مقام معظم رهبری به افسران جنگ نرم، سال‌هاست که دانشجویان و جوانان تحصیل کرده و انقلابی ما را در خط مقدم این نبرد قرار می‌دهد.

۴. تمدن‌سازی را به عبارتی، طاغوت‌زدایی و استقرار نظام اسلامی دانست. در دوران حاضر، تجدد با همه توان شرایط هنجاری خود را به جامعه تحمیل می‌کند و اگر ما ادامه مسیر را به کندی حرکت کنیم، ارزش‌های اسلامی در نگاه تجدد حل می‌شود، لذا باید با حرکتی انقلابی در این مسیر گام برداشت.

۵. برخورداری مردم از سبک زندگی دینی و رواج ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه به نحوی که ارزش‌های اصلی جامعه محسوب شود، یکی از ارکان تداوم انقلاب اسلامی است. در این میان، سبک زندگی در ارتباط با جوانان از اهمیت مضاعفی برخوردار است. چه آنکه «پیشران حرکت انقلاب، جوانها هستند».

۶. در سبک زندگی، چگونگی آن دسته از رفتارهای فردی و اجتماعی مورد نظر است که برای انسان به یک عادت یا حالت پایا تبدیل شده باشند و از نوعی تداوم برخوردار باشند. ۷. مروجان سبک زندگی غربی تحت عناوینی چون «تحول شخصیت ایرانی»، به هدف خود تصریح کرده‌اند. آنها با هدف پیوستن به جهانی شدن به عنوان یک فرایند غربی - آمریکایی، در صدد اصلاح حاکمیت ایران و تغییر مسیر انقلاب هستند.

۸. جوانان به مثابه پیشران حرکت انقلاب، اگر خود به رعایت سبک زندگی دینی ملتزم باشند، جامعه را هم دنبال خود حرکت خواهند داد.

۹. تعبیر جهاد کبیر که در قرآن به طور ویژه در مورد عدم تبعیت از کافران بیان شده است، از تأکیدات معظم‌له در میثاق پاسداری سال ۹۵ بود. این عدم تبعیت، به دلیل لایه‌های عمیق و ظریف فرهنگی و اجتماعی که در پی دارد، دشواری و مبارزه جدی و همگانی را می‌طلبد. ۱۰. هدف مقام معظم رهبری حفظ و مانایی نظام اسلامی با تکیه بر هویت انقلابی و جهادی است. انقلاب شامل سه رکن از قبیل اسلام، رهبری و مردم است.

۱۱. هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است که این تمدن نوین دو بخش دارد؛ بخش ابزاری آن که عبارت است از علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای آن در سراسر کشور. بخش دیگر تمدن‌سازی که بخش متنی، اصلی و اساسی است، رفتارهایی است که بر مبانی اعتقادی و تاملات اجتماعی شکل می‌گیرد، رفتارهای که در جامعه بروز داده می‌شود و برگرفته از ذهن و اندیشه ماست.

۱۲. آنچه در شرایط فعلی پاشنه آشیل سبک زندگی ایرانیان می‌باشد، دوگانگی در رفتار و گفتار برخی کارگزاران می‌باشد که بر سر کار آمدن یک دولت اسلامی با کارگزارانی مومن به مبانی و مسائل انقلاب اسلامی علاج این آفت است.

۱۳. ورود اندیشه‌های غربی در حوزه مختلف علوم اجتماعی، روانشناسی، هنر و معماری، نظام اقتصادی، نظام تعلیم و تربیت و بنیادهای خانواده باعث تغییر در ارزش‌ها و نظام ارزشی جامعه ایران شده و هویت اسلامی و ایرانی ما را دچار خدشه نموده است. ۱۴. تأثیرپذیری یک جامعه از دانشگاه و دانشگاهیان به حدی است که اندیشمندان، دانشگاه را از جمله مهم‌ترین مراجع بررسی و رفع مشکلات و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌دانند.

۱۵. در چشم‌انداز و منشور ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری تمامی مؤلفه‌های سبک زندگی اعم از هویت (فهم از خود، فهم از جامعه، فهم از تاریخ و...)، ارزش‌ها (هم صفات آرمانی و هم انسان‌های آرمانی)، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده (نظام و نقش)، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین‌داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام سیاسی اجتماعی با مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است.

۱۶. به دلیل تعریف و نحوه تشکیل و شرایط لازم در تشکیل و پیشبرد بسیج، این نهاد انقلابی و به ویژه خیل جوانان همواره در سبک زندگی دینی، در خط مقدم و فداکارانه عمل کرده است. در واقع، هم‌دلی و هم‌یاری، توسعه و پیشرفت مدنی و اجتماعی، تعظیم شعائر و پشتیبانی از مبانی اصیل ولایت فقیه و بسیج علم و فناوری در همه عرصه‌ها، از جمله خدمات و ویژگی‌های همیشگی بسیج است.

منابع

۱. قرآن کریم
 ۲. آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ ه ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، ۱۶ جلد، بیروت، دار الکتب العلمیة.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۶ ه ق، *علل الشرایع*، جلد ۲، نجف، حیدریة.
 ۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۶۹ ه ش، *متشابه القرآن و مختلفه*، جلد ۲، قم، دار بیدار للنشر.
 ۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ه ق، *مناقب آل اخی طالب علیهم السلام*، جلد ۴، قم، علامه.
 ۶. ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ه ق، *تفسیر التحریر و التنویر*، جلد ۳۰، بیروت، موسسة التاریخ.
 ۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۶۵ ه ش، *کامل الزیارات*، نجف، مرتضویه.
 ۸. احمدی، مجتبی، *از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم*، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین، ۱۳۸۸.
 ۹. طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۴۰ و *راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن*، ۱۳۶۲، ص ۲۴۷
 ۱۰. مرتضی مطهری، *سیری در سیره نبوی*، ۱۳۸۹، صص ۴۵ و ۴۶
 ۱۱. علامه طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، ص ۱۱۴
 ۱۲. علامه طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۳
 ۱۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، *گفت و شنود با جمعی از جوانان و نوجوانان*، در تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۷۶
 ۱۴. حضرت آیت الله خامنه‌ای، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، ص ۱۰۳
 ۱۵. *ولنگاری فرهنگی؛ ریشه شناسی یک معضل*، دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری
 ۱۶. حضرت آیت الله خامنه‌ای: *دو امام مجاهد*، ص ۲۶۹ تا ۲۷۲
 ۱۷. امام خمینی (ره)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، ۱۳۹۱، صص ۸۷ و ۸۸
 ۱۸. محمود اصغری، «*مبانی دین و توسعه در اندیشه مطهری*» *اندیشه حوزه*، ۵۷، فروردین و اردیبهشت ۱۴۳: ۸۵
 ۱۹. زینب سنجولی، *تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، دوره ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۷۹-۱۰۴
 ۲۰. مرتضی قره باغیان و مرتضی اسلامی، «*اخلاق و توسعه*»، دانشگاه اسلامی، ۲: ۶۴
 ۲۱. العبدلخانی، ساجده، *منبع قرآنی کوثر پاییز ۱۳۹۵* - شماره ۵۸.
 ۲۲. بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق، ۱۲: ۴۸؛ الهدی الی دین المصطفی، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۱۴۹
- سایت‌ها:
۲۳. پایگاه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری Khamenei.ir

۲۴. پایگاه خبری انتخاب
۲۵. باشگاه خبرنگاران جوان
۲۶. خبرگزاری صدا و سیما، مرکز فارس
۲۷. پایگاه مطالعاتی فرهنگی فرهنگ سدید
۲۸. خبرگزاری فارس و مشرق نیوز
۲۹. پایگاه اطلاع رسانی حوزه hawzah.net
۳۰. دفاع پرس
۳۱. پایگاه فرهنگستان